



## جنگ در ایران پس از اسلام

جنگ در ایران پس از اسلام، به چند دوره مختلف تقسیم میشود.

## فهرست مندرجات

- ۱ - از سده سوم هجری تا حمله مغول
  - ۱.۱ - چند نژادی بودن سپاه
  - ۱.۲ - سن دین سلطان
  - ۱.۳ - مسیر حرکت سپاه
    - ۱.۳.۱ - کاروانی عظیم برای همراهی سپاه
    - ۱.۳.۲ - جاسوسان و طلاعی پیشرو
  - ۱.۴ - محل اردوگاه
    - ۱.۴.۱ - محافظت از اردوگاه
  - ۱.۵ - شیوه‌های جنگی
    - ۱.۵.۱ - نظام خمیس
    - ۱.۵.۲ - نظام صف
  - ۱.۶ - اهمیت زمان آغاز نبرد و روحیه سربازان
  - ۱.۷ - صدور حمله
  - ۱.۸ - شروع جنگ با پیاده نظام
  - ۱.۹ - نقش سلطان یا فرمانده کل لشکر
    - ۱.۹.۱ - نقش پرچم
    - ۱.۹.۲ - استفاده فراوان از فیل
    - ۱.۹.۳ - شیوه کمر و فر
    - ۱.۹.۴ - حمله‌های جنگی
    - ۱.۹.۵ - کمین کردن
    - ۱.۹.۶ - تدابیر لشکر مغلوب
    - ۱.۹.۷ - تقسیم غنائم
    - ۱.۹.۸ - حقوق اسیران
    - ۱.۹.۹ - فتح نامه
  - ۲ - دوره مغول و پس از آن
    - ۲.۱ - اوصاف لشکر مغول
    - ۲.۲ - شکار تمرین جنگ
    - ۲.۳ - لشکرهای محلی
    - ۲.۴ - شورای قوریلتای
    - ۲.۵ - اهمیت آذوقه و علفه
    - ۲.۶ - جلگه به عنوان محل نبرد
    - ۲.۷ - ساختار سپاه
    - ۲.۸ - تقسیم لشکر در میدان نبرد
    - ۲.۹ - محل استقرار ارخان و کشیکچیان
    - ۲.۱۰ - مهارت در تیر اندازی
    - ۲.۱۱ - واداشتن دشمن به تسلیم
    - ۲.۱۲ - شروع حمله با تیر باران دشمن
    - ۲.۱۳ - محاصره دشمن
    - ۲.۱۴ - عقب‌نشینی ساختگی
    - ۲.۱۵ - استفاده از اسیران
    - ۲.۱۶ - فرمانبرداری لشکرین مغول
    - ۲.۱۷ - فریبکاری در جنگ
    - ۲.۱۸ - نحوه عمل در پیروزی و شکست
    - ۲.۱۹ - تریبیت و اصطلاحات نظامی ترکمانان
- ۳ - فهرست منابع
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

از سده سوم هجری تا حمله مغول

در سه قرن نخست اسلامی، نواحی مختلف ایران، تابع حکومت‌های مرکزی و به طور کلی، دستگاہ خلافت بود. بنابراین مسائل مرتبط با جنگ در ایران سه قرن نخست، در بخش سوم مطرح شده است. این بخش از مقاله ناظر به قرن چهارم و پس از آن است که ظهور سلسله‌های مستقل در ایران، سبب تحولاتی در ترکیب نیروهای نظامی و نیز شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی شد. ورود تعداد زیادی از غلامان ترک به ایران و به کارگیری آنان به صورت سواره‌نظام و نیز استخدام نیروهایی از اقوام و نژادهای گوناگون، چون عرب و کرد و هندی و دیلمی و گیل در لشکر، موجب تشکیل سپاهی چند نژادی شد که اصلی‌ترین مشخصه نیروهای نظامی در این دوره بود.

[۱] مسکویه، ج ۱، ص ۳۵۳.

[۲] ابوشجاع رزاوروی، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۶۹.

[۳] محمد بن عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۰۸.

[۴] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۲۹.

← چند نژادی بودن سپاه

خواجہ نظام‌الملک

[۱۵] نظام‌الملک، ص ۱۱۹.

ضمن اشاره به چند نژادی بودن سپاه **محمود غزنوی**، به **ملکشاه سلجوقی** توصیه کرده است که لشکر خویش را از نژادهای گوناگون برگزیند، زیرا به زعم وی، این امر حس رقابت را به هنگام نبرد، در میان سپاهیان افزایش می‌داد. با این حال، گزارشهایی از **اختلاف** میان گروه‌های مختلف سپاه و ایجاد مشکل برای فرماندهان آن در دست است. مثلاً، ترکان و دیلمیان لشکر **آلبویه** اغلب با یکدیگر درگیر می‌شدند.

[۱۶] مسکویه، ج ۲، ص ۲۸۲.

[۱۷] ابن‌اثیر، **الکامل فی التاریخ**، ج ۹، ص ۴۹-۵۰.

و گاه امیران بُوَیْهِی، برای کاستن از این اختلافات، به تدابیری چون ایجاد مناسبت خویشاوندی میان آنان متوسل می‌شدند.

[۱۸] مسکویه، ج ۲، ص ۲۸۲.

اختلافات قومی در سپاه سلجوقیان نیز بارها به بروز مشکلاتی انجامید.

[۱۹] فتح‌بن علی بنداری، تاریخ دوله آل‌سلجوق، ج ۱، ص ۵۰.

در این دوره، برای تقویت حس همبستگی میان سربازان و نیز افزایش **وفاداری** آنان به فرمانده، اغلب تلاش می‌شد فرمانده هر نژاد از میان خود آنان برگزیده شود.

[۲۰] ابوشجاع رونراوری، ذیل کتب نجارب الامم، ج ۱، ص ۱۶۹.

## ← سان دیدن سلطان

به هنگام بروز **جنگ**، لشکریان از مناطق مختلف فراخوانده می‌شدند. پیش از حرکت، سلطان با فرمانده کل یا **عارض**، از سپاه سان می‌دید و ضمن تجهیز سربازان و بازدید سلاحها و ادوات جنگی، صله‌ها و نفقاتی برای هزینه سفر و گاه با هدف تشویق به جنگ، به آنان **اعطا** می‌کرد.

[۲۱] محمدبن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۲.

[۲۲] مسکویه، ج ۲، ص ۲۷۱.

[۲۳] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۲۱.

در مواقع اضطراری و نیز زمانی که حکومت قادر به تهیه **میاحتاج لشکر** نبود، امکان داشت سربازان با سلاح و توشه کامل و نیز شترانی برای حمل باروبینه خویش، فراخوانده شوند.

[۲۴] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۸۹.

## ← مسیر حرکت سپاه

در انتخاب مسیر حرکت **سپاه** به مسائلی چون وضع آب و هوا و در دسترس بودن آب و علوفه و **آذوقه** توجه می‌شد.

[۲۵] مسکویه، ج ۲، ص ۱۴۰.

[۲۶] بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۲.

نبودن یکی از این شرایط گاه موجب **انصراف** از لشکرکشی می‌شد. یکی از روشهای مرسوم، دریافت علوفه از مردمی بود که در مسیر سپاه قرار داشتند، به گونه‌ای که گاه لشکرکشیهای متناوب، سبب ویرانی و بروز قحطی در شهرهای مسیر سپاه می‌شد.

[۲۷] محمدبن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۲، ص ۱۰.

افزون بر آن، به جز برخی موارد،

[۲۸] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۴۶-۴۷.

غارث اموال کسانی که در مسیر سپاه قرار داشتند، اغلب مرسوم بود. سپاهیان **مرداویج زیاری** (حک: ۳۱۶-۳۲۳) از حیث غارت شهرها و روستاها و تعرض به غیر نظامیان، آوازه داشتند.

[۲۹] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۲۲-۲۵.

برای جلوگیری از چنین دست‌رازیها و نیز **اطمینان** از در دسترس بودن علوفه بود که نظام‌الملک

[۳۰] حسن‌بن علی نظام‌الملک، سیاستنامه، ج ۱، ص ۱۱۷.

بنای انبارهای علوفه را در راهها و منزلگاهها **توصیه** می‌کرد.

## ← کاروانی عظیم برای همراهی سپاه

اغلب کاروانی عظیم شامل ابزارهای قلعه‌گیری، مهندسان، پزشکان، ندیمان، درباریان و دیوانیان، زنان و کودکان، مطبخ، **خزانه**، جامه‌خانه، زراخانه، بازار لشکر و کارگرانی برای هموار کردن راه و برداشتن موانع، سپاه را همراهی می‌کرد.

[۳۱] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۱.

[۳۲] محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۳.

گزارشهای موجود در باره ساختن پل بر روی رودخانه‌ها به هنگام حرکت و در مدتی کوتاه

[۳۳] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵.

[۳۴] ابن‌اثیر، **الکامل فی التاریخ**، ج ۱۰، ص ۳۹.

نشان می‌دهد که امکانات و تجهیزات لازم برای اقدام به این کار مهم، همراه سپاه بوده است. به گزارش **قفطی**،

[۳۵] علی‌بن یوسف قفطی، تاریخ‌الحکماء، ج ۱، ص ۴۰۵.

در سپاه محمودبن محمد سلجوقی (حک: ۵۱۱-۵۲۵) بیمارستانی با تجهیزات کامل بر پشت چهل شتر حمل می‌شد. **باروبنه**، ملازمان و تجهیزات سپاه اغلب بر پشت تعداد زیادی شتر، **فیل**، قاطر و خر برده می‌شد.

[۳۶] بیهقی، ج ۱، ص ۸۰۳-۸۰۴.

[۳۷] بیهقی، ج ۱، ص ۸۳۳.

[۳۸] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۴.

در سپاه محمود غزنوی برای نبرد با بویه‌یان ری و جبال نیز دوازده هزار **شتر** برای حمل سلاح، چهار هزار شتر برای حمل خزانه و اثاثیه و جامه‌خانه، سیصد فیل برای حمل خیمه‌ها و دو هزار اسب برای **انتقال** حرم و درباریان وجود داشت.

#### ← جاسوسان و طلاعی پیشرو

برای حفظ نظم و نیز برای اینکه سربازان جایگاه خویش را بهتر بشناسند، اغلب سعی می‌شد سپاه با همان آرایشی که قرار بود با دشمن روبه‌رو شود حرکت کند [۲۰] بی‌هی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۲۱] بی‌هی، ج ۱، ص ۶۳۰.

[۲۲] بی‌هی، ج ۱، ص ۷۵۷.

اما گاه لشکر را بدون **تعییه** حرکت می‌دادند و در **اردوگاه** به تعییه آن می‌پرداختند.

[۲۳] بی‌هی، ج ۱، ص ۸۰۲.

[۲۴] عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصر، ج ۱، ص ۴۰۰.

فرماندهان برای اطلاع از مسیر، مقر و نیز کمینگاههای دشمن، جاسوسان و طلاعی را پیشاپیش می‌فرستادند و گذرگاهها و تنگه‌های سر راه سپاه را، برای تعیین چگونگی عبور از آن، بررسی می‌کردند.

[۲۵] مسکویه، ج ۲، ص ۱۳۹.

[۲۶] بی‌هی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۲۷] ابن اثیر، **الکامل فی التاریخ**، ج ۷، ص ۱۹۲-۱۹۳.

مخفی نگه داشتن مسیر سپاه و نیز حرکت از راههای غیر **متعارف** و گاه بیراهه مرسوم بود [۲۸] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۸۸.

و امکان داشت مسیری طولانی، شب هنگام پیموده شود.

[۲۹] ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱.

#### ← محل اردوگاه

در دسترس بودن آب و علوفه و نیز وجود موانع طبیعی چون **رود** و جنگل و کوه، [۳۰] بی‌هی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۳۱] بی‌هی، ج ۱، ص ۷۵۷.

[۳۲] جوینی، ج ۲، ص ۱۵.

شمار نیروها، مهارت جنگی و امکانات و تجهیزات طرفین، در **انتخاب** اردوگاه مؤثر بود.

[۳۳] محمد بن علی راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۹.

به نوشته **فخر مدبر** [۳۴] محمد منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۸۲.

اردوگاه باید در جایی باشد که راه را بر دشمن نگیرد، از **کمین** در امان و آب و علوفه کافی در دسترس باشد. همچنین به گفته وی، [۳۵] محمد منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۸۲.

سپاه و ملازمان و نیروهای پشتیبانی باید به همان ترتیب و شیوه‌ای که وارد نبرد می‌شوند، در اردوگاه مستقر گردند تا هر کس جایگاه خویش را بداند. از انتخاب زمینهای سنگلاخ، که به سم اسب‌ان آسیب می‌رساند، و نیز زمینهای باتلاقی یا مکانهایی که گرد و خاک زیاد از آن برمی‌خیزد نیز باید پرهیز گردد.

[۳۶] محمد منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۱۵.

#### ← محافظت از اردوگاه

با گماشتن نگهبانان و حفر **خندق** پیرامون اردوگاه و گاه با ایجاد موانعی با شاخه‌های بزرگ درختان، از آنجا محافظت می‌شد [۳۷] ابوشجاع رونزاوروی، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۷۹.

و تدابیر امنیتی برای **حفاظت** اردوگاه، شبها شدیدتر می‌گردید.

[۳۸] بی‌هی، ج ۱، ص ۷۵۸.

اردوگاه طرفین درگیر، اغلب نزدیک یکدیگر انتخاب می‌شد، به گونه‌ای که گاه صدای **دهل** و بوق و غوغای هم را می‌شنیدند.

[۳۹] بی‌هی، ج ۱، ص ۷۵۸.

به گفته **بنداری**، [۴۰] فتح‌بن علی بنداری، تاریخ دوله آل سلجوق، ج ۱، ص ۴۱.

اردوگاه **الب ارسلان** و فرمانروای روم در نبرد ملازگرد در ۴۶۳، یک فرسخ از یکدیگر فاصله داشت. بزرگی خیمه‌هایی که برخی سلاطین و امیران در میدان نبرد بر پا می‌کردند توجه برخی مورخان را جلب کرده است. **مسعودی** [۴۱] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۵۲-۵۳.

از سر پرده عظیم **یعقوب لیث** در لشکر کشیها سخن گفته است. **گردیزی** [۴۲] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۵.

نیز در گزارشی اغراق آمیز، از سر پرده محمود غزنوی، که گنجایش ده هزار سوار را داشت، خبر داده است. امیران آل بویه خیمه‌ها و خرگاههایی در میدان نبرد می‌ساختند که بر پا بودن آن نشان‌دهنده مقاومت سپاه و فرو افتادش نشانه **شکست** لشکر بود.

[۴۳] مسکویه، ج ۲، ص ۵.

[۴۴] مسکویه، ج ۲، ص ۱۳۴.

[۴۵] مسکویه، ج ۲، ص ۳۷۱.

## ← شیوه‌های جنگی

سپاه به طور کلی از سواره نظام و پیاده نظام تشکیل می‌شد و هر گروه سلاحهای خاص خویش را داشت. سازماندهی و تعبیه لشکر در میدان جنگ، به تعداد نیروهای طرفین، سلاحها و نیز اوضاع جغرافیایی منطقه جنگی بستگی داشت. از اطلاعات موجود چنین برمی‌آید که از شیوه‌های جنگی خمیس، **کردوس**، صف و کَر و فر، با توجه به اوضاع استفاده می‌شده است.

[۵۶] محمد بن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۸۵-۸۶.

[۵۷] مسکویه، ج ۲، ص ۱۳۲-۱۳۳.

[۵۸] مسکویه، ج ۲، ص ۱۶۴.

[۵۹] مسکویه، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰.

[۶۰] مسکویه، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.

با این حال، به نظر می‌رسد نظام تعبیه لشکر به صورت خمیس در این دوره کاربرد بیشتری داشته است. گزارشهایی نیز مبنی بر استفاده هم‌زمان از **نظام خمیس** و کردوس در دست است.

[۶۱] مسکویه، ج ۲، ص ۶.

[۶۲] ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۲۴۲-۲۴۴.

## ← نظام خمیس

در نظام خمیس **سلطان** یا فرمانده کل سپاه، به همراه ملتزمان خویش و گروهی از کارآمدترین نیروها، در قلب قرار می‌گرفت. گستردگی زیاد هر یک از اجزای پنج‌گانه سپاه، به‌ویژه **میمه** و میسره، از ویژگیهای شیوه خمیس در این دوره است، به‌گونه‌ای که اغلب بر هر بخش چندین تن فرماندهی می‌کردند، که اغلب از فرزندان و نزدیکان سلطان بودند.

[۶۳] بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۶۴] فتح‌بن علی بنداری، تاریخ‌دوله‌السلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

هر یک از بخشهای پنج‌گانه، با توجه به اوضاع منطقه جنگی، امکان داشت در فاصله‌های نزدیک یا دور از هم **استقرار** یابند، به‌گونه‌ای که گاه فاصله زیاد موجب بی‌خبری یک جناح از شکست یا پیروزی **جناح** دیگر می‌شد.

[۶۵] ابوشجاع رونزوری، ذیل کتب تجارب‌الامم، ج ۱، ص ۱۷.

[۶۶] محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۵.

در صورت فاصله زیاد، مبادله خبر میان جناحها به روشهایی چون فرستادن رسولان و نواختن **طبل**، برقرار می‌گردید.

[۶۷] بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۴.

## ← نظام صف

استفاده از **نظام صف** نیز، با توجه به پیاده یا سواره بودن بیشتر نیروهای طرفین و سلاحها و وسعت و تنگی محل نبرد، متفاوت بود. راوندی،

[۶۸] محمد بن علی راوندی، راه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ‌السلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

بدون توضیح، صفها را به دو دسته پیوسته و گسسته، و صف پیوسته را نیز به سه گونه راست و **خفته** و مثلث تقسیم کرده است. وی همچنین از صف **مقوس** سخن گفته و برخی شرایط را که در آن باید هر یک از این صفها را برای نبرد برگزید، بیان کرده است.

[۶۹] محمد بن علی راوندی، راه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ‌السلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

پیش از آغاز نبرد، غالباً فرماندهان با تشکیل شورای جنگی به بحث و تبادل نظر در باره شیوه‌های حمله و چگونگی مقابله با حملات دشمن می‌پرداختند.

[۷۰] محمد بن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۱۲۴.

[۷۱] بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۶.

[۷۲] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۱۳.

## ← اهمیت زمان آغاز نبرد و روحیه سربازان

گزارشهایی نیز از **مشورت** با منجمان، در باره زمان آغاز نبرد، در دست است.

[۷۳] محمد بن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۱۱۲.

[۷۴] ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۶.

به‌علاوه، سلطان الب ارسلان سلجوقی برای آغاز نبرد ملازگرد با فقیه **ابونصر محمد بن عبدالملک بخاری** حنفی مشورت کرد و به توصیه وی روز **جمعه** را، که مردم در مساجد مشغول

**دعا** برای پیروزی سلطان هستند، برای شروع جنگ برگزید

[۷۵] فتح‌بن علی بنداری، تاریخ‌دوله‌السلجوق، ج ۱، ص ۴۲.

[۷۶] علی‌بن ناصر حسینی، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۱۰۹.

پیش از این نبرد، خلیفه **قائم** عباسی دعاهای خاصی برای پیروزی لشکریان **مسلمان** نوشته و نسخه‌هایی از آن را فرستاده بود تا خطیبان در منابر مساجد بخوانند.

[۷۷] فتح‌بن علی بنداری، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۴۲.

[۷۸] علی‌بن ناصر حسینی، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۱۰۹.

این کار برای تقویت **روحیه** سربازان مسلمان بود. برای روحیه‌داندن به لشکریان و نیز تحریک احساسات مذهبی آنان و تشویق بیشتر به جنگ، از شیوه‌های دیگری چون ایراد خطبه‌های محرک و بیان کلمات و عبارات خاص نیز استفاده می‌شد.

[۷۹] بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۸.

[۸۰] بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۲.

[۸۱] علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۱۱۱.

[۸۲] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۶.

قابوس بن وشمگیر،

[۸۳] قابوس بن وشمگیر، قابوس نامه، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴.

ضمن توصیه به نیکویی کردن به لشکریان، روحیدادن به آنان را نیز یادآوری کرده است. فخر مدبر نیز بخشی از **آداب الحرب و الشجاعه**

[۸۴] محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۳۱.

را به «صلاح لشکر» و کسانی **اختصاص** داده است که با دعاها و شفاعت‌های خویش از سربازان حمایت می‌کنند و به آنان روحیه می‌دهند. گاه نیز شخصیت‌های برجسته دینی را، که جایگاهی در میان مردم داشتند، برای **تشویق** بیشتر سربازان به نبرد، با سپاه همراه می‌ساختند.

[۸۵] محمد بن علی راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.

برای واداشتن لشکریان به دلآوری، گاه خلعت‌ها و اموالی را که قرار بود به کسانی ببخشند که در نبرد شایستگی خود را نشان می‌دهند، همراه سپاه حمل می‌کردند.

[۸۶] بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۸.

شایع کردن برخی خبرها در سپاه دشمن برای تضعیف روحیه سربازان و گاه مکاتبه با فرماندهان لشکر دشمن برای همراه کردن آنان با خود نیز پیش از **جنگ** مرسوم بود.

[۸۷] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۱۶-۱۷.

## ← صدور حمله

گاه سنت نبرد پهلوئان دو لشکر پیش از صدور حمله عمومی اجرا می‌گردید.

[۸۸] محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۷.

فرمان حمله، با تکان دادن پرچمها، نواختن طبل و دهل، غوغای لشکریان و گاه سر دادن **تکبیر**، اغلب صبحگاهان صادر می‌شد.

[۸۹] بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۹۰] بیهقی، ج ۱، ص ۵۵۱-۵۵۲.

[۹۱] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.

[۹۲] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۵.

[۹۳] محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۱۵.

نواختن طبل و دهل برای ایجاد وحشت در سپاه دشمن و تضعیف روحیه آنها کارگر می‌افتاد.

[۹۴] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۸۹.

به گفته فخر مدبر،

[۹۵] محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۴۴.

حمله باید از میانه آغاز شود و پس از آن **قلب** و میسره وارد کارزار شوند؛ لیکن گزارشهایی در دست است که نشان می‌دهد با توجه به وضع سپاه و نیز اوضاع طبیعی، حمله ممکن بود از میانه، میسره یا قلب شروع شود.

[۹۶] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۴۲.

[۹۷] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۷۸.

[۹۸] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۷۷-۶۷۸.

با این حال، **امکان** داشت پس از شروع جنگ، به دنبال تغییرات جوی چون وزش باد و ایجاد گرد و خاک شدید و یا حمله سریع دشمن، نظم سپاه به هم بخورد و هر یک از قسمت‌های لشکر به یاری دیگری بشتابد.

[۹۹] بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۰-۷۶۱.

گاه یک جناح لشکر پیروز می‌شد و به پیش می‌تاخت، اما **جناح** دیگر شکست می‌خورد و به عقب می‌نشست و صحنه نبرد دایر موار می‌شد به گونه‌ای که طرفین، به سبب نامشخص بودن نتیجه جنگ، دست از پیکار می‌کشیدند.

[۱۰۰] عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۱۰.

## ← شروع جنگ با پیاده نظام

هر چند در این دوره سوار نظام از اهمیت بیشتری برخوردار بود، همیشه جنگ با پیاده نظام آغاز می‌شد که با نیزه‌های دراز و سپرهای بزرگ در جلو سپاه قرار داشتند. این کار به قصد بر هم زدن نظم سپاه دشمن یا قطع راه تدارکاتی آن، انجام می‌شد.

[۱۰۱] بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۲.

[۱۰۲] مسکویه، ج ۲، ص ۶.

قراردادن پیاده نظام در جلو به قدری بدیهی بود که **مسکویه**،

[۱۰۳] مسکویه، ج ۲، ص ۳۶۸.

امیر بویهی **عز الدوله بختیار** را که برای نبرد با عضدالدوله در ۳۶۶ سواران را در جلو و پیادگان را پشت سر آنها قرار داده بود، نکوهش کرده و از کار وی **اظہار** شگفتی نموده است. نیروهای پیاده در دوره **غوریان** (حک: ۴۰۱-۶۱۲) پوششی به نام «کارو»، که از پوست گاو و پنبه و **کریس** تهیه می‌شد، بر تن می‌کردند. **کارو** از سر تا پای آنان را می‌پوشاند و چون به صف می‌شدند همانند دیواری مستحکم در برابر دشمن به حساب می‌آمدند.

[۱۰۴] عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۴۳.

اهمیت نیروهای پیاده در مناطق صعب‌العبور **طبرستان** بیش از جاهای دیگر بود، به گونه‌ای که گاه شکست پیاده نظام در این منطقه به منزله شکست همه سپاه بود.

[۱۰۵] ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵.

## ← نقش سلطان یا فرمانده کل لشکر

سلطان یا فرمانده کل لشکر می‌بایست تا زمانی که ضرورت **ایجاب** نمی‌کرد، از ورود به نبرد خودداری و توان خویش را صرف **هدایت** و فرماندهی سپاه و تشویق سربازان می‌کرد.

[۱۰۶] قابوس‌بن وشمگیر، قابوس‌نامه، ج ۱، ص ۲۲۴.

[۱۰۷] مسکویه، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.

ورود زود هنگام وی به جنگ‌گاه باعث اخلاص در فرماندهی لشکر و پراکنده شدن نیروها می‌شد.

[۱۰۸] محمدبن علی راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۳۷۱.

وی همچنین گروهی از جنگجویان برجسته را، به عنوان نیروهای پشتیبانی، تحت امر خویش نگه می‌داشت تا در صورت لزوم، آنان را به یاری جناحهای لشکر بفرستد.

[۱۰۹] بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.

[۱۱۰] محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۴۵.

گاه برای واداشتن سربازان به نبرد، عده‌ای را مأمور می‌کرد تا در صورت بازگشت هر یک از لشکریان از صحنه نبرد و بیرون آمدن از صفوف، وی را به **قتل** برسانند.

[۱۱۱] بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۰.

## ← نقش پرچم

**پرچم**، که اغلب در قلب سپاه قرار می‌گرفت، نقش مهمی در ایجاد هماهنگی میان بخشهای گوناگون داشت و سربازان در میدان نبرد پیوسته متوجه آن بودند، چرا که بر پا بودن پرچم نشانه مقاومت سپاه و ادامه نبرد بود و سرنگون شدن آن از شکست لشکر خبر می‌داد؛ از این‌رو، دارنده پرچم یا علمداراز میان مبارزان برجسته و معتمدان سلطان برگزیده می‌شد.

[۱۱۲] عثمان‌بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۵۸.

[۱۱۳] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۶۵۳.

## ← استفاده فراوان از فیل

استفاده فراوان از فیل باعث کارآمدی بیشتر جنگ به شیوه خمیس در این دوره گردیده بود. مؤلف **تاریخ سیستان**

[۱۱۴] تاریخ سیستان، چپ محمدتقی بهار، ج ۱، ص ۲۰۶.

از استفاده نکردن یعقوب لیث از فیل به بهانه بد بمن بودن آن (با **اشاره** به داستان **آبزه**) سخن گفته است، اما این حیوان، به‌ویژه در سپاه غزنویان و غوریان و سلجوقیان، به کار گرفته می‌شده است. علاوه بر حمل بار، برای ایجاد حایل در برابر دشمن و نیز بر هم زدن نظم سپاه مقابل نیز از فیل استفاده می‌شد. فرماندهان سپاه نیز اغلب از پشت فیلی کوبیکر به نظاره صحنه نبرد می‌پرداختند.

[۱۱۵] محمدبن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۱۱۴.

[۱۱۶] بیهقی، ج ۱، ص ۷۵۷.

[۱۱۷] عبدالحمید ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.

در نبرد میان شاهزادگان سلجوقی در ۵۲۶، صفی از فیلهای پیشاپیش لشکریان تعبیه گردیده بود.

[۱۱۸] **ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۷۷.**

گاه بر پشت هر فیل چند سرباز قرار می‌گرفتند و از آنجا به نبرد می‌پرداختند.

[۱۱۹] **ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۵۰۶-۵۰۵.**

برای مقابله با فیلهای، روشهایی چون تیرباران شدید آن‌ها و نیز به قتل رساندن **بیلان** توصیه می‌شد.

[۱۲۰] **ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۵۰۶-۵۰۵.**

از شیوه‌های دیگری نیز برای محافظت از پیشانی لشکر استفاده می‌شد. مثلاً، در نبرد میان خلیفه عباسی **مقتدی** و سپاه ترک به رهبری **امیر مسعود بلالی** در ۵۴۹، ترکمنهای زیادی با خیمه‌ها، رمه‌ها، خانواده و باروبنه خویش، در جلو صف لشکر ترکان قرار گرفته بودند.

[۱۲۱] فتح‌بن علی بنداری، تاریخ‌دوله‌السلجوق، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰.

## ← شیوه کر و فر

تقسیم لشکر به گروههای پانصد نفره یا بیشتر و حمله به شیوه **کر و فر** برای خسته کردن دشمن، از دیگر شیوه‌ها بود.

[۱۲۲] محمدبن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۸۵-۸۶.

[۱۲۳] مسکویه، ج ۲، ص ۱۶۴.

مؤلف **قابوس‌نامه**

[۱۲۴] عبدالحمید ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.

توصیه کرده است که سپاه را باید «فوج فوج» به نبرد دشمن فرستاد. گاه نیز لشکر را برای محاصره دشمن از چهار طرف و نبرد با وی، به چهار گروه بزرگ تقسیم می‌کردند.

[۱۲۵] عثمان‌بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۴۰۰.

## ← حيله های جنگی

**شبیخون** زدن به دشمن، برای ایجاد هرج و مرج و آشوب، نیز گاه در دستیابی به پیروزی بسیار مؤثر بود. به‌نوشته فخر مدبر،

[۱۲۶] محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۹۸.

برای شبیخون زدن باید مردان کارآزموده، خرمند و هوشیار انتخاب شوند. رماندن و پی‌کردن اسبها و رها کردن آنها در میان خیمه و خرگاه دشمن، بریدن طنابهای خیمه‌ها، کشتن نگهبانان و پخش شایعاتی مبنی بر کشته شدن سرداران و پهلوانان معروف، از جمله اهداف شبیخون بود.

- [۱۲۷] محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.
- عقبشینی ساختگی و **اجازه** دادن به دشمن برای پیشروی در درون صفوف، برای کشاندن وی به کمینگاه، کاربرد فراوان داشت.
- [۱۲۸] بیهقی، ج ۱، ص ۵۵۲-۵۵۳.
- [۱۲۹] عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۴۰۰.
- این کار علاوه بر غافلگیر ساختن دشمن، باعث ایجاد فاصله میان قسمتهای گوناگون سپاه وی می‌گردید.
- [۱۳۰] مسکویه، ج ۲، ص ۶.
- گزارشهایی نیز از جاری ساختن **آب** رودخانه‌ها و سدها در اردوگاه یا مسیر حرکت دشمن در دست است.
- [۱۳۱] مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۴۵۴.
- [۱۳۲] **ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۶.**

#### ← کمین کردن

- کمین کردن یکی از کارآمدترین شیوه‌های جنگی در این دوره بود. در منابع از کمتر نبردی سخن رفته است که در آن لشکریان یک یا هر دو طرف، از این شیوه استفاده نکرده باشند.
- [۱۳۳] محمدبن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۳.
- [۱۳۴] عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰.
- [۱۳۵] ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۳۶.
- [۱۳۶] ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۹۴.
- فخر مدبر
- [۱۳۷] محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۰۴.
- بزرگترین کار از کارهای حرب را کمین کردن دانسته و درباره چگونگی برگزیدن افراد، اسبها و جایگاه کمین توصیه‌هایی کرده است.
- لشکر شکست خورده گاه در نزدیکی اردوگاه خویش کمین می‌کرد و پس از آنکه سپاه پیروز به جمع‌آوری **غنائم** و غارت باروبنه مشغول می‌شد، بر آنان می‌تاخت و نتیجه نبرد را به نفع خود تغییر می‌داد.
- [۱۳۸] مسکویه، ج ۱، ص ۲۸۳-۲۸۲.
- حتی گاه کالاهای و سلاحهای خویش را عمدتاً در اردوگاه رها می‌کردند و در کمین نیروهای مهاجم می‌نشستند
- [۱۳۹] علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۳۲.
- از این رو، فرماندهان لشکر پیروز اغلب برای **اطمینان** یافتن از شکست واقعی دشمن، گروههایی را برای تجسس به **اطراف** میدان نبرد می‌فرستادند و پس از حصول اطمینان، اجازه غارت باروبنه بر جای‌مانده به سپاهیان داده می‌شد.
- [۱۴۰] مسکویه، ج ۱، ص ۲۹۸.
- [۱۴۱] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۱۴۰-۴۰.
- مؤلف قابوسنامه
- [۱۴۲] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۲۲۵.
- تعقیب** طولانی دشمن را جایز ندانسته است، به سبب خطرهایی که ممکن است در بازگشت برای لشکریان پیش آید.

#### ← تدابیر لشکر مغلوب

- اگر سپاه مغلوب فرصت می‌یافت، اردوگاه و بنه خویش را پیش از فرار آتش می‌زد تا به دست دشمن نیفتد.
- [۱۴۳] عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۶۴.
- [۱۴۴] محمدبن علی راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۶۹.
- گاه نیز در اردوگاه خویش آتش می‌افروختند تا دشمن چنین بپندارد که آنان در جایگاه خویش هستند، آنگاه در تاریکی شب می‌گریختند.
- [۱۴۵] ابوشجاع رودراوری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۹۸.
- تخریب** پلهای سر راه و نیز فرو بردن سیخهای آهنین نوک نیز در **زمین**، برای کند کردن حرکت تعقیب‌کنندگان، از دیگر تدابیر لشکر مغلوب بود.
- [۱۴۶] **ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۳۰.**
- [۱۴۷] علی اصغر فقیهی، آل‌بویه: نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرنهای چهارم و پنجم، ج ۱، ص ۳۸۶-۳۸۷.

#### ← تقسیم غنائم

عارض یا نماینده وی، بلافاصله پس از پیروزی، به بررسی غنائم و ارزش‌گذاری آنها می‌پرداخت و اگر سلطان در نبرد حضور نداشت، نخست ۱۵ سهم وی کنار نهاده می‌شد. به علاوه، فلزات قیمتی، سلاحها، فیله‌ها و هر چه سلطان می‌پسندید، سهم وی بود و بقیه میان لشکریان، بر اساس رتبه و نیز نقش هر یک در جنگ، تقسیم می‌شد.

#### ← حقوق اسیران

- توصیه به خوشرفتاری با اسیران اغلب نادیده گرفته می‌شد و قتل‌عام یا **تحقیر** و تحریف آنان، با کارهایی چون گردانیدن در شهر، داغ زدن و نهادن دوکهای زنان در دست اسیران سرشناس، مرسوم بود.
- [۱۴۸] محمدبن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ج ۱، ص ۱۳۹.
- [۱۴۹] ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۶۳.
- با این حال، گزارشهایی از آزاد سازی اسیران و خوشرفتاری با برخی امیران **اسیر** شده در دست است.
- [۱۵۰] محمدبن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵.
- [۱۵۱] علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، ج ۱، ص ۸۰-۸۱.



## ← فتح نامه

در پایان، فتحنامه‌هایی که اغلب، ادبای بزرگ آنها را می‌نوشتند، برای خلیفه یا برخی پادشاهان و امیران فرستاده می‌شد که حاوی **شکر** خداوند، **بشارت** پیروزی، و گاه وصف نبرد بود و مردم در شهرها، با شنیدن خبر فتح، به چراغانی کردن و جشن و پایکوبی می‌پرداختند. گاهی نیز برخی شعرا در **مدح** پیروزی شعر می‌سرودند.

[۱۵۲] بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۸-۶۲۹.

[۱۵۳] مسکویه، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.

[۱۵۴] ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۱۴.

## دوره مغول و پس از آن

مغولان شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی جدید را وارد **ایران** کردند که در دوره **ایلخانان** و تیموریان نیز ادامه یافت و جانشین بسیاری از روشهای پیشین نبرد، چون حرکت آهسته سپاه و لشکرین حرفه‌ای مجهز به سلاحهای سنگین، گردید. **استقرار** و استمرار حکومت مغول در واقع به سبب ارتش منظم، تاکتیکهای ابتکاری و تحرک و مهارت جنگی آنان بود

[۱۵۵] اشپولر، ص ۳۴۳-۳۴۲.

به‌رغم میالغ‌هایی که در باره کثرت سربازان **مغول**، برای توجیه پیروزیهای آنان، صورت گرفته است به نظر می‌رسد تعداد آنان کمتر از لشکرین فرمانروایان **چین** و نیز خوارزمشاهین بوده است.

[۱۵۶] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۹۲.

## ← اوصاف لشکر مغول

### جوینی

[۱۵۷] جوینی، ج ۱، ص ۲۱.

لشکر مغول را، از نظر فرمانبرداری و نیز توان تحمل سختیها و مهارت در جنگ، بهترین سپاه دوران خویش دانسته است. **استقامت** و پایداری نیروهای مغول توجه **کاربینی**، سیاح ایتالیایی، را که در ۶۴۲ از جانب پاپ به دربار خان مغول فرستاده شده بود، جلب کرده است.

[۱۵۸] جوینی، ج ۱، ص ۴۶.

### گروسه

[۱۵۹] رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ج ۱، ص ۳۶۷.

تاکتیک و شیوه‌های جنگی مغولان را به جنگاوران معاصرش، همچون **نابلیون**، تشبیه کرده است

[۱۶۰] مارتین، ص ۵۰-۵۱.

## ← شکار تمرین جنگ

مغولان از کودکی وارد سپاه می‌شدند و همه مردان **ایلغ**، متعهد به انجام دادن خدمت نظامی بودند. به سربازان به‌طور مداوم آموزش‌های نظامی داده می‌شد. شکارگاهها بهترین مکان برای ارائه فنون نظامی، چون **تیراندازی** و محاصره دشمن، بودند. لشکرین با همان شیوه و **تاکتیک** حضور در میدان جنگ، در میدانهای **شکار** نیز به کار گرفته می‌شدند.

[۱۶۱] جوینی، ج ۱، ص ۱۹-۲۰.

[۱۶۲] جوینی، ج ۱، ص ۱۰۶.

[۱۶۳] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۶.

[۱۶۴] جوانی د پیانو کاربینی، سفرنامه پلان کاربین، ج ۱، ص ۸۴.

بارتولد

[۱۶۵] بارتولد، ص ۳۸۶.

شکار را در میان مغولان، علاوه بر منبعی برای به دست آوردن آذوقه، به منزله **رزمایش** (مانور) و **تمرین** نظامی دانسته است که نقض مقررات آن، مجازاتهای سختی برای سربازان در پی داشت.

[۱۶۶] دیوید مورگن، مغولها، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳.

به‌علاوه، گاه برای افزایش هوشیاری لشکر و مهیا کردن آن برای مقابله با حملات غافلگیرانه، سلطان دستور می‌داد در اردوگاه، خبر فرار سبیدن ناگهانی دشمن را شایع کنند.

[۱۶۷] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۲۹۱.

**تیمور** نیز قبل از شروع جنگ به آموزش‌های لازم و بیان قواعد و رسوم نبرد و چگونگی روبه‌رو شدن با دشمن می‌پرداخت.

[۱۶۸] عبداللین لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، ج ۲، ص ۸۴۹، بخش ۱.

## ← لشکرهای محلی

در آغاز حملات مغولان به ایران، سپاه آنان از قبایل گوناگون مغول تشکیل می‌شد، لیکن پس از فتوحات به‌تدریج عناصر غیر مغولی وارد سپاه گردید، به‌گونه‌ای که در دوره تیمور لشکرهای محلی شکل گرفت که نیروهای آن مردم بومی هر شهر یا **ایالت** بودند و به نام محل خویش خوانده می‌شدند، مانند لشکر **خراسان**، لشکر **کرمان** و لشکر **قم**

[۱۶۹] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۲، ص ۱۵۳.

← شورای قوريلتای

تصميم‌گيری در باره جنگ، نقشه حمله، تعداد سربازان و اسبها و تجهيزات مورد نیاز برعهده شورایی به نام **قوريلتای**، مرگب از امرای بزرگ مغول، بود.

۱۷۱] ج ۱، ص ۱۴۴.

۱۷۲] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۱، ص ۲۵۶.

۱۷۳] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۳۱۵.

در اين دوره و به‌ویژه در زمان **چنگيز** و تیمور، کسب آگاهی از وضع سیاسی و نظامی دشمن و نیز اوضاع جغرافیای سرزمین مورد حمله پیش از جنگ، از جمله از طریق بازرگانان، پناهندگان سیاسی یا اسرا، از اصول اولیه و بسیار مهم بود.

۱۷۴] محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۹۲-۹۳.

۱۷۵] بار تولد، ص ۴۰۷، ۴۰۹.

۱۷۶] مارتین، ص ۵۸.

۱۷۷] جان جوزف ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ج ۱، ص ۶۸.

به گفته این‌تغری بردی،

۱۷۸] این‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۸، ص ۱۵۵-۱۵۶.

پیش از نبرد **عين‌جلوت** در ۶۵۸، مغولان ۵۰۰ نفر را برای **غارت** و نیز کسب اخبار و اطلاعات از وضع دشمن، به **شام** اعزام کرده بودند. در ۷۰۶ **اولجایتو** برای حمله به **گیلان** از افرادی که به آنجا سفر کرده و آن سرزمین را می‌شناختند، اطلاعات لازم را کسب کرد.

۱۷۹] بخش ۱، ص ۱۱، عبدالله بن لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، بخش ۱.

اهتمام تیمور به کسب اخبار در باره سرزمین و نیروهای دشمن و حتی مسائلی چون نرخها، وزنهای، منزلگاهها، ناهمواریها، نام شهرها و روستاها و اسامی سرداران دشمن و فرماندهان قلعه‌ها نیز مورد توجه مورخان قرار گرفته است.

۱۸۰] ابن‌عربشاه، عجائب‌المقدور فی نوابت تیمور، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۷.

۱۸۱] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۲، ص ۱۸۱.

۱۸۲] روی گونثال د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹.

توان زیاد مغولان و نیز سبکباری آنان، به‌ویژه در آغاز فرمانروایی، پیمودن سریع مسیرهای طولانی را برای آنان ممکن می‌ساخت. اغلب، اخبار لشکرکشیها و نیز مسیر حرکت سپاه مخفی نگه داشته می‌شد.

۱۸۳] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۳۶۲.

۱۸۴] ابن‌عربشاه، عجائب‌المقدور فی نوابت تیمور، ج ۱، ص ۱۱۳.

گاه نیز قسمتهای سگانه لشکر هر کدام از راهی جداگانه به میدان نبرد **اعزام** می‌شدند.

۱۸۵] ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۱۸۶] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۰۰۸.

← اهمیت آنوقه و علوفه

پیش از فتح شهرها و روستاها، آنوقه و علوفه لشکر بیش‌تر با غارت به دست می‌آمد، هر چند گرفتن آن از مردمی که در مسیر سپاه قرار داشتند نیز مرسوم بود.

۱۸۷] محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۴.

۱۸۸] ج ۱، ص ۱۱۳.

۱۸۹] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۸.

همچنین پیش از حرکت، مسیر لشکر را **فريق** می‌کردند؛ یعنی، چرای دامها را در علفزارها و مرغزارها، برای در دسترس نگاه داشتن علوفه جهت لشکرکشی، **فدغن** می‌کردند.

۱۹۰] ج ۳، ص ۹۳-۹۴.

۱۹۱] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۲، ص ۹۷۵.

با این حال، از همراه داشتن علوفه و آنوقه و دیگر نیازمندیهای خویش نیز غافل نبودند. به گفته جوینی،

۱۹۲] ج ۱، ص ۲۲.

مغولان در لشکرکشی همه نوع وسایل «از مختلفت سلاحها و آلات دیگر تادرفش و سوزن و حبال و...» با خود می‌بردند. در لشکرکشی **هولاکو** به ایران، برای هر نفر یک **تغار** (صد من) آرد و یک **خیک** (پنجاه من) شراب همراه سپاه بود.

۱۹۳] ج ۳، ص ۹۴.

۱۹۴] رشيدالدين فضل‌الله، ج ۲، ص ۹۷۶.

به‌علاوه، پیش از حرکت، گوشت گوسفندان را **قديد** (نمک سود) می‌کردند و با خود می‌بردند.

۱۹۵] عثمان بن محمد منهاج سراج، طبقات ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴-۱۰۵.

مغولان نیز با همان سازمانی که قرار بود وارد نبرد شوند، در مسیر حرکت می‌کردند.

۱۹۶] ج ۳، ص ۹۷.

آنان برای عبور از رودخانه سبدهایی از پوست یا چرم می‌ساختند، سپس وسایل خویش را در آن قرار می‌دادند و خود نیز درون آن می‌نشستند و با پارو زدن یا بستن آن به دم اسبها عرض **رودخانه** را می‌پیمودند.

۱۹۷] ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۶۹.

۱۹۸] جوانی د بیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۸.

گاه نیز با استفاده از کشتیها، بر روی رودخانه پل می‌بستند.

۱۹۹] ج ۱، ص ۷۲.

## ← جلگه به عنوان محل نبرد

به دلیل **مهارت** مغولان در سوارکاری، اغلب جلگه‌های هموار، که از هر سو تا **افق** دیده شود، برای محل نبرد برگزیده می‌شد.  
[۲۰۰] جوانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۳.  
چنگیز در انتخاب محل نبرد مهارت فراوان داشت و گاه سرداران خویش را به سبب برگزیدن محل نامناسب، توبیخ می‌کرد.  
[۲۰۱] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۵-۵۲۶.  
در صورت سست بودن زمین اردوگاه و برخاستن گرد و خاک زیاد به هنگام نبرد، به لشکریان دستور داده می‌شد تا سطح زمین را با سنگ بپوشانند.  
[۲۰۲] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۳۶.

## ← ساختار سپاه

سپاه در این دوره ساختار ده‌دهی (اعشاری) داشت و به دسته‌های ده، صد، هزار و ده هزار نفری تقسیم می‌شد. از میان ده نفر نخست یکی به فرماندهی برگزیده می‌شد. از هر ده فرمانده نیز یکی به فرماندهی صد نفر انتخاب می‌شد و به همین ترتیب فرمانده هزار نفر و ده هزار نفر تعیین می‌گردید. هر ده‌هزار نفر، **تومان** و فرمانده آن امیر تومان نامیده می‌شد.  
[۲۰۳] جونی، ج ۱، ص ۲۳.  
[۲۰۴] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۸۸.  
این تقسیم‌بندی، سپاه مغول را بسیار کارآمد و منظم می‌ساخت، به گونه‌ای که **امیر تومان** به راحتی می‌توانست با ارتباط با فرماندهان دسته‌های کوچکتر، دستورهای خویش را در سپاه به **اجرا** گذارد.

## ← تقسیم لشکر در میدان نبرد

در میدان نبرد، لشکر به سه بخش تقسیم می‌شد: میمنه (بز انغار/ بوانقار)، میسره (جز انغار/ جوانقار) و قلب (قُل). هر بخش امکان داشت از چند تومان تشکیل شده باشد. در این صورت، یکی از امرای تومان به نسبت دیگران ارشد به حسب می‌آمد.  
[۲۰۵] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۹۲-۶۰۵.  
[۲۰۶] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۰۰۸.  
در این سازماندهی، روابط قبیله‌ای و خویشاوندی سربازان در قرار دادن آنان در هر دسته، در نظر گرفته می‌شد. پیش‌قراولان و پیام‌رسانهایی که ارتباط میان این بخشها و صفوف را برقرار می‌کردند نیز به مجموعه منکور افزوده می‌گردید. تقسیم لشکر بدین شیوه در دوره جانشینان چنگیز در ایران و نیز در دوره **تیموریان** ادامه یافت.  
[۲۰۷] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۶۵.  
[۲۰۸] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۶۸.  
[۲۰۹] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۳۲.  
[۲۱۰] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۳۶.  
[۲۱۱] خواندمیر، ج ۳، ص ۵۰۷.  
برخی، تقسیم‌بندی لشکر بدین شیوه را تحت تأثیر چینیان دانسته‌اند.  
[۲۱۲] دیوید مورگان، مغولها، ج ۱، ص ۱۰۷، ترجمه عبلس مخیر.  
[۲۱۳] اشپولر، ص ۳۳۱.

## ← محل استقرارخان و کشیکچیان

خان یا فرمانده کل سپاه، با نیروهای **ماهر** و کارآمد، در قلب قرار می‌گرفت. به علاوه، خان گروهی محافظ شخصی به نام «**کشیکچیان**» یا «بهداران/ بهادریه» در **اختیار** داشت که در لشکر کشیها اغلب به عنوان نیروی ضربت و نیز پشتیبانی دیگر بخشهای سپاه عمل می‌کردند.  
[۲۱۴] عثمان‌بن محمد منهای سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴.  
[۲۱۵] عثمان‌بن محمد منهای سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۴۰.  
[۲۱۶] محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۵۸.  
[۲۱۷] محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۶.  
[۲۱۸] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۳۸۲.  
[۲۱۹] مارتین، ص ۵۵.  
[۲۲۰] بار تولد، ص ۳۸۳-۳۸۴.

## == سواره نظم، بدنه اصلی لشکر ==

بدنه اصلی لشکر را سواره **نظام** تشکیل می‌داد. به سبب اهمیت سواره نظم، هر سرباز در لشکر مغول، چندین اسب به همراه داشت که بر یکی سوار می‌شد و بقیه را به صورت پدک با خود می‌کشید.

[۲۲۱] میرخواند، ج ۸، ص ۴۲۳۵.

به گفته کارپینی،

[۲۲۲] جوانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۴.

از هر اسب در هر چهار روز فقط یک روز سواری گرفته می‌شد. بی‌شک همراه بردن اسبهای پدک، بر نمایش قدرت و جنگاوری سواران مغول تأثیر بسزایی داشته است. **بدن** اسبها با زره پوشانده می‌شد و هر سوار دو یا سه کمان، سه تیردان پر از تیر، یک تبر، شمشیر نوک تیز، کلاهخود، سپرهایی که گاه از پوست تهیه می‌شد و نیزه‌هایی چنگکدار برای به زیر کشیدن سواران دشمن داشت.

[۲۲۳] عثمان‌بن محمد منهای سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۴۰.

[۲۲۴] جوانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.

## ← مهارت در تیراندازی

سربازان مغول در تیراندازی مهارت بسیاری داشتند. آنان در حال تلختن اسب به تیراندازی می‌پرداختند و گاه برای افزایش دقت خویش از اسب پیاده می‌شدند [۲۲۵] مارتین، ص ۷۱.

قدرت و بُرد مفید تیرها فوق‌العاده بود. گروه [۲۲۶] گروه، ص ۳۶۹.

بر آن است که تیراندازان مغولی از فاصله دویست تا چهارصد متری حریف را **هلاک** می‌کردند. به گفته **رشیدالدین فضل‌الله**، [۲۲۷] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۲۹۹.

مغولان تیری به نام **تونه** داشتند که سه‌په‌ر و بسیار تیز بود. آنان همچنین سوهانهایی برای تیز کردن تیرها با خود حمل می‌کردند. [۲۲۸] جووانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۷.

موفقیت مغولان و جانشینان آنان در بسیاری از جنگها مرهون مهارت تیراندازان بود [۲۲۹] مارتین، ص ۷۲.

## ← واداشتن دشمن به تسلیم

پیش از حمله، با فرستادن پیکه‌هایی دشمن را به **تسلیم** فرامی‌خواندند [۲۳۰] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۷۱.

[۲۳۱] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۴۹۰.

و با جنگ روانی و **انتشار** اخباری مبنی بر خونخواری یا کثرت لشکریان خویش [۲۳۲] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۴.

[۲۳۳] مارتین، ص ۵۹.

[۲۳۴] جن جوزف ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ج ۱، ص ۶۸.

گاه مردم را به ترک مقاومت و فرار وامی‌داشتند.

[۲۳۵] ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، ج ۸، ص ۱۵۹-۱۵۷.

[۲۳۶] احمدبن علی مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوك، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۱۸.

از اختلافات سیاسی و مذهبی نیروهای دشمن نیز به‌خوبی استفاده می‌شد. جنگیز که از طریق **بدرالدین عمید**، از کارگزاران عالی‌رتبه دستگاه خوارزمشاهی، از اختلاف محمد **خوارزمشاه** و مادرش ترکان خاتون و حمایت سرداران از آن دو، آگاهی یافته بود، به بدرالدین دستور داد تا از جانب برخی سرداران محمد نامه‌هایی به خان مغول بنویسد، آنگاه پاسخ خان مغول، مبنی بر تباری برضد محمد، نیز پشت نامه‌ها نوشته شد و ترتیبی داده شد که نامه‌ها به دست جاسوسان خوارزمشاه برسد. آگاهی محمد بر متن این نامه‌ها، موجی از وحشت و بی‌اعتمادی میان وی و سردارانش به وجود آورد.

[۲۳۷] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۹۲-۹۳.

[۲۳۸] حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ج ۱، ص ۴۹۴.

## ← شروع حمله با تیرباران دشمن

حمله با پیشروی تیراندازان و تیرباران کردن دشمن آغاز می‌شد. این کار را به نوبت دسته‌های مختلف تیرانداز، برای برهم زدن نظم سپاه حریف، ادامه می‌دادند، [۲۳۹] جووانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۷.

سپس پیش‌فراوان و طلایع، برای متفرق ساختن دشمن، وارد عمل می‌شدند و به دنبال آن، دوجناح هم‌زمان حرکت دایره‌وار خویش را، برای حمله به دشمن از دوپهلوی و پشت، آغاز می‌کردند. حمله جناحها، ظاهراً به **تقلید** از چینین، در پنج صف جدا از یکدیگر و با فاصله صورت می‌گرفت و اگر ضرورت ایجاب می‌کرد صفها با سرعت زیاد به یکدیگر می‌پیوستند.

[۲۴۰] جووانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۷.

[۲۴۱] مارتین، ص ۷۰.

## ← محاصره دشمن

محاصره دشمن از شیوه‌های مورد **علاقه** مغولان در میدان نبرد بود. آنان برای سهولت این کار، اغلب تا حد امکان، عرض سپاه خویش را **امتداد** می‌دادند [۲۴۲] مارتین، ص ۶۹.

این **تاکتیک**، علاوه بر ایجاد فاصله میان بخشهای گوناگون سپاه دشمن، موجب می‌شد که تعداد نیروهای مغول، بیش از مقدار واقعی نشان داده شود. برای درمیان گرفتن سپاهیان متخاصم، گاه صفهای سپاه را باز می‌کردند و به نیروهای دشمن اجازه پیشروی می‌دادند و در زمان مناسب آنها را در برگرفته قتل‌عام می‌کردند. [۲۴۳] جووانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۴.

تاکتیک محاصره - که عمدتاً در پشت ابری از گرد و غبار یا در پناه تپه‌ها و دره‌ها انجام می‌گرفت [۲۴۴] مارتین، ص ۷۳.

- در دوره تیمور نیز مورد توجه بود.

[۲۴۵] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۶۶.

عقب‌نشینی ساختگی از دیگر تاکتیک‌های جنگی بسیار رایج در این دوره بود. این نوع عقب‌نشینی گاه چند روز ادامه می‌یافت [۲۴۶] جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۷. تا با یافتن مکان و موقعیتی مناسب و کشاندن دشمن به کمینگاه‌ها، امکان **قلع** و قمع وی فراهم گردد. [۲۴۷] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۵۸. [۲۴۸] این تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۶۱. این تاکتیک جنگی، حتی زمانی که دشمنان آن را شناخته بودند، اغلب با پیروزی مغولان همراه بود [۲۴۹] مارتین، ص ۷۳. و جانشینان آنان در ایران و نیز تیموریان بارها از آن استفاده کردند. [۲۵۰] شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، ج ۱، ص ۲۶۵. [۲۵۱] ابن عربشاه، عجائب المقدور فی نوابغ تیمور، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴.

سربازان مغول اغلب از نبرد تن به تن پرهیز می‌کردند، اما اگر دشمن زخمی می‌شد یا سرباز مغولی خود از اسب می‌افتاد، با چاقوهایی که به‌همراه داشت به **نبرد** می‌پرداخت. [۲۵۲] ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۶۴. [۲۵۳] این تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۶۱. [۲۵۴] جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۹.

## ← استفاده از اسیران

به کار گرفتن مردان **اسیر** شده دشمن، به صورت پیاده نظام در صفوف **مقدم جبهه** (خشر)، نیز شیوه‌ای مرسوم بود. از این افراد اغلب برای محاصره شهرها، تخریب قلعه‌ها، پرکردن خندقها، حمل منجنیقها و باروبنه سپاه و نیز نبرد با همکیشان و هموطنان خودشان استفاده می‌شد. مردان خشری - که گاه آنان را به هیئت مغولان در می‌آوردند و به هر ده نفر آن‌ها یک پرچم می‌دادند - از دو جناح و پشت سر توسط مردان مسلح محافظت می‌شدند تا در صورت کوتاهی در وظایف محوله و **استنکاف** از نبرد، به قتل برسند. [۲۵۵] جوینی، ج ۱، ص ۶۶. [۲۵۶] جوینی، ج ۱، ص ۷۱. [۲۵۷] جوینی، ج ۱، ص ۹۷. [۲۵۸] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۱۴. [۲۵۹] محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۱۹. [۲۶۰] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۴۹۲. [۲۶۱] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۳. [۲۶۲] ابن‌عبری، تاریخ مختصر الدول، ج ۱، ص ۲۶۶. [۲۶۳] رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۰.

## ← فرمانبرداری لشکریان مغول

فرمانبرداری لشکریان مغول از فرماندهان خویش شگفت‌انگیز بود. با این حال، برای آن دسته از سربازانی که در جنگ کوتاهی می‌کردند یا مقررات نظامی را زیر پا می‌نهادند، مجازات‌های سختی در نظر گرفته می‌شد. اگر از یک گروه ده یا صد نفره، یک یا چند نفر از جنگ فرار می‌کردند، همه اعضای گروه به قتل می‌رسیدند. مجازات کسانی که پیش از پایان نبرد به جمع‌آوری **غانیم** می‌پرداختند، نگهبانانی که در هنگام انجام وظیفه به خواب می‌رفتند و عده‌ای که هم‌زمان خویش را در پیشروی یاری نمی‌کردند، قتل بود. [۲۶۴] ج ۱، ص ۴۵، ۶۶-۸۳، جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین.

## ← فریبکاری در جنگ

مغولان از هیچ‌گونه فریبکاری در جنگ کوتاهی نمی‌کردند. کارپینی [۲۶۵] جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۴. بر آن است که آنان اغلب با فریبکاری پیروز می‌شدند؛ سوار کردن آهک‌های حصیری و گاه زنان و کودکان برای بیشتر نشان دادن تعداد سپاهیان، [۲۶۶] جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۹. [۲۶۷] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۳. [۲۶۸] ابن عربشاه، عجائب المقدور فی نوابغ تیمور، ج ۱، ص ۴۸۱. [۲۶۹] روی گونثالط د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ج ۱، ص ۲۹۴. کمین کردن بخش اصلی سپاه و فرستادن گروه کوچکی به میدان برای تظاهر به ضعف [۲۷۰] ابن عربشاه، عجائب المقدور فی نوابغ تیمور، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴. [۲۷۱] مارتین، ص ۷۴. و جاری ساختن **آب** رودخانه در اردوگاه دشمن [۲۷۲] رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۰۱۱. برخی از این حيله‌ها بود.

مغولان در صورت پیروزی، برای جلوگیری از گردآمدن دوباره دشمن، با سرعت بسیار به تعقیب آنان می‌پرداختند و اغلب باروبنه سپاه و اموال مردم را در شهرها غارت می‌کردند. با این حال، برخی از اسیران، چون دانشمندان و هنرمندان و گاه مأموران حکومتی، را به عنوان **غنیمت** گرفته و زنده می‌گذاشتند.

[۲۷۳] جوبنی، ج ۱، ص ۶۶.

[۲۷۴] خواننمیر، ج ۳، ص ۵۰۱.

سپاهیان مغول اگر شکست می‌خوردند یا ضرورت عقب‌نشینی را احساس می‌کردند، با فروختن آتش در اردوگاه خویش، شبانه عقب می‌نشستند

[۲۷۵] ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۶۵.

و برای آزادی اسرای خویش حاضر به پرداخت **فدیہ** بودند. به گفته **ابن‌تغری بردی**،

[۲۷۶] ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۶۴.

مغولان پس از شکست در نبرد **جمع‌المروج**، دو ماه در شهر **تیریز** برای کشته شدگان خویش به‌عزاداری پرداختند.

## ← ترتیب و اصطلاحات نظامی ترکمانان

ترتیب و اصطلاحات مورد استفاده در اردوهای نظامی ترکمانان قراقوینلو و **آق‌قویونلو** در ایران، تقلیدی کامل از شیوه‌های جنگی ایلخانان بود

[۲۷۷] اوزون چارشلی، ص ۲۸۵.

به‌همراه بردن همه نوع وسایل و تجهیزات و نیز گروه عظیمی از ملازمان با لشکر، تقسیم سپاهیان به شیوه دهدهی و استفاده از نظام سه بخشی (برانغار-جرانغار و قل) در جنگ، نشان‌دهنده تقلید **ترکمانان** از شیوه‌ها و تاکتیکهای نظامی پیشینیان است

[۲۷۸] جوزوفا باربارو، سفرنامه جوزا فا باربارو، ج ۱، ص ۷۷-۷۴.

[۲۷۹] محمدبن اسعد دوانی، عرض سپاه اوزون حسن، ج ۱، ص ۵۱-۶۲.

[۲۸۰] ابوبکر طهرانی، کتب دیار بکر، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۵.

[۲۸۱] ابوبکر طهرانی، کتب دیار بکر، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴.

[۲۸۲] اوزون چارشلی، ص ۲۸۴-۲۸۸.

[۲۸۳] ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی، پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.

[۲۸۴] ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی، پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.

[۲۸۵] ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی، پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۸.

## فهرست منابع

- (۱) ابن‌اثیر.
- (۲) ابن‌اسفندیار، تاریخ طبرستان، چاپ عیلس اقبال آشتیانی، تهران ۱۳۲۰ ش.
- (۳) ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره.
- (۴) ابن‌عبری، تاریخ مختصر الدول، چاپ انطون صالحانی یسوعی، بیروت ۱۹۵۸.
- (۵) ابن‌عربشاه، عجائب المقدر فی نواب تيمور، چاپ احمد فايز حمصی، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
- (۶) ابوشجاع رودراوری، ذیل کتب تجارب الامم، چاپ آمدروز، مصر ۱۳۳۴/۱۹۱۶، چاپ افست بغداد بی‌تا.
- (۷) جوزوفا باربارو، سفرنامه جوزا فا باربارو، در سفرنامه‌های ونیزین در ایران: شش سفرنامه، ترجمه منوچهر امیری، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۹ ش.
- (۸) فتح‌بن علی بنداری، تاریخ دوله آل سلجوق (زبده‌النصر و نخبه‌العصر)، بیروت ۱۹۷۸.
- (۹) بیهقی.
- (۱۰) تاریخ سیستان، چاپ محبتقی بهار، تهران: زوار، (۱۳۱۴ ش).
- (۱۱) جوبنی.
- (۱۲) عبدالمنین لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، بخش ۱، چاپ خانابا بیانی، تهران ۱۳۱۷ ش.
- (۱۳) همو، زبده‌التواریخ، چاپ کمال حاج سیدجوادی، تهران ۱۳۸۰ ش.
- (۱۴) علی‌بن ناصر حسینی، زبده‌التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه، چاپ محمد نورالدین، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶.
- (۱۵) حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده.
- (۱۶) خواننمیر.
- (۱۷) محمدبن اسعد دوانی، عرض سپاه اوزون حسن، چاپ ایرج افشار، در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۳، ش ۳ (فروردین ۱۳۳۵).
- (۱۸) محمدبن علی راوندی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق، به سعی و تصحیح محمد اقبال، بانضمام حواشی و فهراس با تصحیحات لازم مجتبی مینوی، تهران ۱۳۶۴ ش.
- (۱۹) رشیدالدین فضل‌الله.
- (۲۰) جان جوزف ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران ۱۳۶۱ ش.
- (۲۱) محمدبن علی شهبانکارهای، مجمع‌الانساب، چاپ میرهاشم محدث، تهران ۱۳۶۳ ش.
- (۲۲) شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریان، چاپ محمد عباسی، تهران ۱۳۳۶ ش.
- (۲۳) ابوبکر طهرانی، کتب دیار بکر، چاپ نجاتی لوغال و فاروق سومر، آنکارا ۱۹۶۲-۱۹۶۴، چاپ افست تهران ۱۳۵۶ ش.
- (۲۴) محمدبن عبدالجبار عتبی، تاریخ‌العتبی (تاریخ‌الیمینی)، ضمن الفتح الوهبی (شرح‌الیمینی)، از احمدبن علی منینی، قاهره ۱۲۸۶.
- (۲۵) محمدبن منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، چاپ احمد سهیلی خوانساری، تهران ۱۳۴۶ ش.
- (۲۶) علی‌اصغر فقیهی، آل‌بوویه: نخستین سلسله قدرتمند شیعه با نمونه‌ای از زندگی جامعه اسلامی در قرن‌های چهارم و پنجم، تهران ۱۳۶۶ ش.
- (۲۷) قابوس‌بن وشمگیر، قابوس‌نامه، چاپ غلامحسین یوسفی، تهران ۱۳۵۲ ش.
- (۲۸) علی‌بن یوسف قطعی، تاریخ الحکماء، و هو مختصر‌الزوزنی المسمی بالمنتخبات الملتقطت من کتب اخبار العلماء باخبار الحکماء، چاپ یولیوس لیپرت، لایپزیگ ۱۹۰۳.
- (۲۹) جووانی د پپانو کارپینی، سفرنامه پلان‌کارین، نخستین سفیر واتیکان در دربار مغول در سال ۱۲۴۵ میلادی، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران ۱۳۶۳ ش.
- (۳۰) روی گونتالت د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجینیا، تهران ۱۳۴۴ ش.
- (۳۱) عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۶۳ ش.
- (۳۲) رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران ۱۳۶۵ ش.
- (۳۳) مسعودی، مروج (پاریس).
- (۳۴) مسکویه.

- (۳۵) احمدین علی مقریزی، السلوك لمعرفة دول الملوك، چاپ محمد عبدالقادر عطا، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۷.
- (۳۶) عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقات ناصری، چاپ عبدالحی حبیبی، کابل ۱۳۴۲-۱۳۴۳ ش.
- (۳۷) دیوید مورگن، مغولها، ترجمه عبس مخیر، تهران ۱۳۷۱ ش.
- (۳۸) میرخواند.
- (۳۹) ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی، «پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس»، ترجمه حسن جوادی، مجله بررسیهای تاریخی، سال ۴، ش ۱ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۸).
- (۴۰) محمدین جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمدین محمدین نصر قباوی، تلخیص محمدین زفرین عمر، چاپ مدرس رضوی، تهران ۱۳۵۱ ش.
- (۴۱) محمدین احمد نسوی، سیره سلطان جلالالدین منکبرنی، چاپ احمد احمدی، مصر ۱۹۵۳.
- (۴۲) حسن بن علی نظام الملک، سیاستنامه، چاپ محمد قزوینی و مرتضی مدرس چهاردهی، تهران ۱۳۴۴ ش.
- (۴۳) Vasily Vladimirovich Barthold, Turkestan down to the Mongol invasion, London ۱۹۲۸
- (۴۴) (EI ۲, s.v. "Harb. v.Persia" (by C. E. Bosworth)
- (۴۵) Beatrice Forbes Manz, The rise and rule of Tamerlane, Cambridge ۱۹۹۱
- (۴۶) (H. Desmond Martin, "The Mongol army", JRAS (۱۹۴۳)
- (۴۷) Bertold Spuler, Die Mongolen in Iran, Leiden ۱۹۸۵
- (۴۸) Ismail Hakki Uzuncarsili, Osmanli devletinin ilmiye taskilati, Ankara ۱۹۸۸

## پانویس

۱. ↑ مسکویه، ج ۱، ص ۳۵۳.
۲. ↑ ابوشجاع روزراوری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۶۹.
۳. ↑ محمدین عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۰۸.
۴. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۲۹.
۵. ↑ نظام الملک، ص ۱۱۹.
۶. ↑ مسکویه، ج ۲، ص ۲۸۲.
۷. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۴۹-۵۰.
۸. ↑ مسکویه، ج ۲، ص ۲۸۲.
۹. ↑ فتح بن علی بنداری، تاریخ دوله آل سلجوق، ج ۱، ص ۵۰.
۱۰. ↑ ابوشجاع روزراوری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۶۹.
۱۱. ↑ محمدین جعفر نرشخی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۲.
۱۲. ↑ مسکویه، ج ۲، ص ۲۷۱.
۱۳. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۲۱.
۱۴. ↑ محمدین احمد نسوی، سیره سلطان جلالالدین منکبرنی، ج ۱، ص ۸۹.
۱۵. ↑ مسکویه، ج ۲، ص ۱۴۰.
۱۶. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱-۴۴۲.
۱۷. ↑ محمدین عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۲، ص ۱۰.
۱۸. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۴۶-۴۷.
۱۹. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۲۲-۲۵.
۲۰. ↑ حسن بن علی نظام الملک، سیاستنامه، ج ۱، ص ۱۱۷.
۲۱. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۱.
۲۲. ↑ محمدین منصور فخر منبر، آداب الحرب و الشجاعة، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۲۳. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵.
۲۴. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۹.
۲۵. ↑ علی بن یوسف قسطلی، تاریخ حکماء، ج ۱، ص ۴۰۵.
۲۶. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۸۰۳-۸۰۴.
۲۷. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۸۳۳.
۲۸. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۴.
۲۹. ↑ محمدین علی شبانکاره ای، مجمع الانساب، ج ۱، ص ۶۳.
۳۰. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۳۱. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۶۳۰.
۳۲. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۷۵۷.
۳۳. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۸۰۲.
۳۴. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقات ناصری، ج ۱، ص ۴۰۰.
۳۵. ↑ مسکویه، ج ۲، ص ۱۳۹.
۳۶. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۳۷. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۹۲-۱۹۳.
۳۸. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۸۸.
۳۹. ↑ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۵۰-۲۵۱.
۴۰. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.

۴۱. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۷۵۷.
۴۲. ↑ جویبی، ج ۲، ص ۱۵.
۴۳. ↑ محمدین علی راوندی، راحه‌الصدر و آیہ‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۹.
۴۴. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۸۲.
۴۵. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۲۸۲.
۴۶. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۱۵.
۴۷. ↑ ابو شجاع روندراوری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۷۹.
۴۸. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۷۵۸.
۴۹. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۷۵۸.
۵۰. ↑ فتحین علی بنداری، تاریخ دولہ آل سلجوق، ج ۱، ص ۴۱.
۵۱. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۵۲-۵۳.
۵۲. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۵.
۵۳. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۵.
۵۴. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۱۳۴.
۵۵. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۳۷۱.
۵۶. ↑ محمدین عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۸۵-۸۶.
۵۷. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۱۳۲-۱۳۳.
۵۸. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۱۶۴.
۵۹. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰.
۶۰. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.
۶۱. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۶.
۶۲. ↑ ابن اثیر، الکمل فی التاریخ، ج ۶، ص ۲۴۲-۲۴۴.
۶۳. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۶۴. ↑ فتحین علی بنداری، تاریخ دولہ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۶۵. ↑ ابو شجاع روندراوری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۷.
۶۶. ↑ محمدین احمد نسوی، سیرہ سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۵.
۶۷. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۴۴۴.
۶۸. ↑ محمدین علی راوندی، راحه‌الصدر و آیہ‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۶۹. ↑ محمدین علی راوندی، راحه‌الصدر و آیہ‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.
۷۰. ↑ محمدین عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۲۴.
۷۱. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۷۶۶.
۷۲. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۱۳.
۷۳. ↑ محمدین عبدالجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۱۲.
۷۴. ↑ ابن اثیر، الکمل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۶.
۷۵. ↑ فتحین علی بنداری، تاریخ دولہ آل سلجوق، ج ۱، ص ۴۲.
۷۶. ↑ علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوک السلجوقیہ، ج ۱، ص ۱۰۹.
۷۷. ↑ فتحین علی بنداری، تاریخ دولہ آل سلجوق، ج ۱، ص ۴۲.
۷۸. ↑ علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوک السلجوقیہ، ج ۱، ص ۱۰۹.
۷۹. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۶۲۸.
۸۰. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۷۶۲.
۸۱. ↑ علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ اخبار الامراء و الملوک السلجوقیہ، ج ۱، ص ۱۱۱.
۸۲. ↑ ابن اثیر، الکمل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۶.
۸۳. ↑ قابوس بن وشمگیر، قابوس نامہ، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴.
۸۴. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۳۱.
۸۵. ↑ محمدین علی راوندی، راحه‌الصدر و آیہ‌السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۰۰.
۸۶. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۶۲۸.
۸۷. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۹، ص ۱۶-۱۷.
۸۸. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۷.
۸۹. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۹۰. ↑ بیہقی، ج ۱، ص ۵۵۱-۵۵۲.
۹۱. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۹۲. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۵.
۹۳. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۱۵.
۹۴. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۸۹.
۹۵. ↑ محمدین منصور فخر مدبر، آداب‌الحرب و الشجاعه، ج ۱، ص ۳۴۴.
۹۶. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۴۲.
۹۷. ↑ ابن اثیر، الکمل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۷۸.
۹۸. ↑ ابن اثیر، الکمل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۷۷-۶۷۸.



۹۹. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۰-۷۶۱.
۱۰۰. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۱۰.
۱۰۱. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۲.
۱۰۲. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۶.
۱۰۳. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۳۶۸.
۱۰۴. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۴۳.
۱۰۵. ↑ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۳۴-۲۳۵.
۱۰۶. ↑ قابوس بن وشمگیر، قابوس نامہ، ج ۱، ص ۲۲۴.
۱۰۷. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲.
۱۰۸. ↑ محمد بن علی راوندی، راحہ الصدور و آیہ السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۳۷۱.
۱۰۹. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۱۱۰. ↑ محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعہ، ج ۱، ص ۳۴۵.
۱۱۱. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۷۶۰.
۱۱۲. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۳۵۸.
۱۱۳. ↑ رشید الدین فضل اللہ، ج ۱، ص ۶۵۳.
۱۱۴. ↑ تاریخ سیستان، چپ محنتی بہار، ج ۱، ص ۲۰۶.
۱۱۵. ↑ محمد بن عبد الجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۱۴.
۱۱۶. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۷۵۷.
۱۱۷. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۱۱۸. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۶۷۷.
۱۱۹. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۵۰۶ ۵۰۵.
۱۲۰. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۵۰۶ ۵۰۵.
۱۲۱. ↑ فتح بن علی بنداری، تاریخ دولہ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰.
۱۲۲. ↑ محمد بن عبد الجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۸۵-۸۶.
۱۲۳. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۱۶۴.
۱۲۴. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۱۲۵. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۴۰۰.
۱۲۶. ↑ محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعہ، ج ۱، ص ۲۹۸.
۱۲۷. ↑ محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعہ، ج ۱، ص ۲۹۸-۲۹۹.
۱۲۸. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۵۵۲-۵۵۳.
۱۲۹. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۱، ص ۴۰۰.
۱۳۰. ↑ مسکویہ، ج ۲، ص ۶.
۱۳۱. ↑ مسعودی، مروج (پاریس)، ج ۸، ص ۴۵۴۴.
۱۳۲. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۶.
۱۳۳. ↑ محمد بن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۳.
۱۳۴. ↑ عثمان بن محمد منہاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۵۹-۱۶۰.
۱۳۵. ↑ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۳۶.
۱۳۶. ↑ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۹۴.
۱۳۷. ↑ محمد بن منصور فخر مدبر، آداب الحرب و الشجاعہ، ج ۱، ص ۳۰۴.
۱۳۸. ↑ مسکویہ، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۱۳۹. ↑ علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیہ، ج ۱، ص ۳۲.
۱۴۰. ↑ مسکویہ، ج ۱، ص ۲۹۸.
۱۴۱. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۴۰۰-۴۰۱.
۱۴۲. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۲۲۵.
۱۴۳. ↑ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، ج ۱، ص ۳۶۴.
۱۴۴. ↑ محمد بن علی راوندی، راحہ الصدور و آیہ السرور در تاریخ آل سلجوق، ج ۱، ص ۲۶۹.
۱۴۵. ↑ ابو شجاع رونروری، ذیل کتب تجارب الامم، ج ۱، ص ۱۹۸.
۱۴۶. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۳۳۰.
۱۴۷. ↑ علی اصغر فقیہی، آل بویہ: نخستین سلسلہ قدرتمند شیعه با نمونہای از زندگی جامعہ اسلامی در قرنہای چہارم و پنجم، ج ۱، ص ۳۸۶-۳۸۷.
۱۴۸. ↑ محمد بن عبد الجبار عتبی، تاریخ العتبی (تاریخ الیمینی)، ج ۱، ص ۱۳۹.
۱۴۹. ↑ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، ج ۱، ص ۲۶۳.
۱۵۰. ↑ محمد بن جعفر نرشی، تاریخ بخارا، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵.
۱۵۱. ↑ علی بن ناصر حسینی، زبده التواریخ: اخبار الامراء و الملوك السلجوقیہ، ج ۱، ص ۸۰-۸۱.
۱۵۲. ↑ بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۸-۶۲۹.
۱۵۳. ↑ مسکویہ، ج ۱، ص ۳۹۵-۳۹۶.
۱۵۴. ↑ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، ص ۱۴.
۱۵۵. ↑ اشپولر، ص ۳۴۲-۳۴۳.

۱۵۶. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۹۲.
۱۵۷. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۴۱.
۱۵۸. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۴۶.
۱۵۹. ↑ رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ج ۱، ص ۳۶۷.
۱۶۰. ↑ مارتین، ص ۵۰-۵۱.
۱۶۱. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۲۰-۱۹.
۱۶۲. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۱۰۶.
۱۶۳. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۶.
۱۶۴. ↑ جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۴.
۱۶۵. ↑ یارتولد، ص ۳۸۶.
۱۶۶. ↑ دیوید مورگان، مغولها، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۱۶۷. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۲۹۱.
۱۶۸. ↑ عبدالله‌بن لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، ج ۲، ص ۸۴۹، بخش ۱.
۱۶۹. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۲، ص ۱۵۳.
۱۷۰. ↑ منز، ص ۹۶-۱۰۶.
۱۷۱. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۱۴۴.
۱۷۲. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۲۵۶.
۱۷۳. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۳۱۵.
۱۷۴. ↑ محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۹۲-۹۳.
۱۷۵. ↑ یارتولد، ص ۴۰۷، ۴۰۹.
۱۷۶. ↑ مارتین، ص ۵۸.
۱۷۷. ↑ جان جوزف ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ج ۱، ص ۶۸.
۱۷۸. ↑ ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۵۵-۱۵۶.
۱۷۹. ↑ بخش ۱، ص ۱۱، عبدالله‌بن لطف‌الله حافظ ابرو، ذیل جامع‌التواریخ رشیدی، بخش ۱.
۱۸۰. ↑ ابن‌عربشاه، عجائب المقثور فی نواب تیمور، ج ۱، ص ۴۵۶-۴۵۷.
۱۸۱. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۲، ص ۱۸۱.
۱۸۲. ↑ روی گونثالث د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۹.
۱۸۳. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۳۶۲.
۱۸۴. ↑ ابن‌عربشاه، عجائب المقثور فی نواب تیمور، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۸۵. ↑ جویبی، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.
۱۸۶. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۰۰۸.
۱۸۷. ↑ محمدبن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۴.
۱۸۸. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۸۹. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۸.
۱۹۰. ↑ جویبی، ج ۳، ص ۹۳-۹۴.
۱۹۱. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۹۷۵.
۱۹۲. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۲۲.
۱۹۳. ↑ جویبی، ج ۳، ص ۹۴.
۱۹۴. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۹۷۶.
۱۹۵. ↑ عثمان‌بن محمد منهاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴-۱۰۵.
۱۹۶. ↑ جویبی، ج ۳، ص ۹۷.
۱۹۷. ↑ ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۶۹.
۱۹۸. ↑ جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۶۸.
۱۹۹. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۷۲.
۲۰۰. ↑ جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپین، ج ۱، ص ۸۳.
۲۰۱. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۵-۵۲۶.
۲۰۲. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۳۶.
۲۰۳. ↑ جویبی، ج ۱، ص ۲۳.
۲۰۴. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۸۸.
۲۰۵. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۹۲-۶۰۵.
۲۰۶. ↑ رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۰۰۸.
۲۰۷. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲۰۸. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۱، ص ۲۶۸.
۲۰۹. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۱، ص ۲۳۲.
۲۱۰. ↑ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلان، ج ۱، ص ۲۳۶.
۲۱۱. ↑ خوانمیر، ج ۳، ص ۵۰۷.
۲۱۲. ↑ دیوید مورگان، مغولها، ج ۱، ص ۱۰۷، ترجمه عبس مخبر.
۲۱۳. ↑ اشپولر، ص ۳۳۱.

۲۱۴. عثمان بن محمد منهاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۰۴.
۲۱۵. عثمان بن محمد منهاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۴۰.
۲۱۶. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۵۸.
۲۱۷. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۲۳۶.
۲۱۸. شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلن، ج ۱، ص ۳۸۲.
۲۱۹. مارتین، ص ۵۵.
۲۲۰. بار تولد، ص ۳۸۳-۳۸۴.
۲۲۱. میرخواند، ج ۸، ص ۴۲۳۵.
۲۲۲. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۸۴.
۲۲۳. عثمان بن محمد منهاج سراج، طبقت ناصری، ج ۲، ص ۱۴۰.
۲۲۴. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۶-۶۷.
۲۲۵. مارتین، ص ۷۱.
۲۲۶. گروسه، ص ۳۶۹.
۲۲۷. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۱۲۹۹.
۲۲۸. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۷.
۲۲۹. مارتین، ص ۷۲.
۲۳۰. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۷۱.
۲۳۱. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۴۹۰.
۲۳۲. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۴.
۲۳۳. مارتین، ص ۵۹.
۲۳۴. جن جوزف ساندرز، تاریخ فتوحات مغول، ج ۱، ص ۶۸.
۲۳۵. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۵۹-۱۵۷.
۲۳۶. احمد بن علی مقریزی، السلوک لمعرفة دول الملوک، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۱۸.
۲۳۷. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۹۲-۹۳.
۲۳۸. حمدالله مستوفی، تاریخ گزیده، ج ۱، ص ۴۹۴.
۲۳۹. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۷.
۲۴۰. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۷.
۲۴۱. مارتین، ص ۷۰.
۲۴۲. مارتین، ص ۶۹.
۲۴۳. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۸۴.
۲۴۴. مارتین، ص ۷۳.
۲۴۵. شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلن، ج ۱، ص ۲۶۶.
۲۴۶. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۷.
۲۴۷. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۵۸.
۲۴۸. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۶۱.
۲۴۹. مارتین، ص ۷۳.
۲۵۰. شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه: تاریخ عمومی مفصل ایران در دوره تیموریلن، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲۵۱. ابن عربشاه، عجائب المقثور فی نواب تیمور، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴.
۲۵۲. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۲، ص ۳۶۴.
۲۵۳. ابن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، ج ۸، ص ۱۶۱.
۲۵۴. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۹.
۲۵۵. جوینی، ج ۱، ص ۶۶.
۲۵۶. جوینی، ج ۱، ص ۷۱.
۲۵۷. جوینی، ج ۱، ص ۹۷.
۲۵۸. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۱۴.
۲۵۹. محمد بن احمد نسوی، سیره سلطان جلال‌الدین منکبرنی، ج ۱، ص ۱۱۹.
۲۶۰. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۴۹۲.
۲۶۱. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۰۰-۵۰۳.
۲۶۲. ابن عبری، تاریخ مختصر الدول، ج ۱، ص ۲۶۶.
۲۶۳. رنه گروسه، امپراطوری صحرانوردان، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۰.
۲۶۴. ۶۶-۶۵، ۸۳، ج ۱، ص ۴۵، جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن.
۲۶۵. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۸۴.
۲۶۶. جووانی د پیانو کارپینی، سفرنامه پلان کارپن، ج ۱، ص ۶۹.
۲۶۷. رشیدالدین فضل‌الله، ج ۱، ص ۵۲۳.
۲۶۸. ابن عربشاه، عجائب المقثور فی نواب تیمور، ج ۱، ص ۴۸۱.
۲۶۹. روی گونثالت د کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ج ۱، ص ۲۹۴.
۲۷۰. ابن عربشاه، عجائب المقثور فی نواب تیمور، ج ۱، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲۷۱. ↑ [مارتین، ص ۷۴](#)، ج ۲، ص ۱۰۱۱.
۲۷۲. ↑ [رشیدالدین فضل‌الله](#)، ج ۲، ص ۱۰۱۱.
۲۷۳. ↑ [جوینی](#)، ج ۱، ص ۶۶.
۲۷۴. ↑ [خواندمیر](#)، ج ۳، ص ۵۰۱.
۲۷۵. ↑ [ابن‌اثیر](#)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱۲، ص ۳۶۵.
۲۷۶. ↑ [ابن‌تغری بردی](#)، *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة*، ج ۸، ص ۱۶۴.
۲۷۷. ↑ [اوزون چارشیلی](#)، ص ۲۸۵.
۲۷۸. ↑ [جوزوفا باربارو](#)، *سفرنامه جوزافا باربارو*، ج ۱، ص ۷۷-۷۴.
۲۷۹. ↑ [محمدبن اسعد دوانی](#)، *عرض سپاه اوزون حسن*، ج ۱، ص ۵۱-۶۲.
۲۸۰. ↑ [ابوبکر طهرانی](#)، *کتاب دیار بکریه*، ج ۱، ص ۲۶۴-۲۶۵.
۲۸۱. ↑ [ابوبکر طهرانی](#)، *کتاب دیار بکریه*، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴.
۲۸۲. ↑ [اوزون چارشیلی](#)، ص ۲۸۴-۲۸۸.
۲۸۳. ↑ [ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی](#)، *پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس*، ج ۱، ص ۳۰-۳۱.
۲۸۴. ↑ [ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی](#)، *پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس*، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۳.
۲۸۵. ↑ [ولادیمیر فنودوروویچ مینورسکی](#)، *پژوهشی در باره امور نظامی و غیرنظامی فارس*، ج ۱، ص ۲۱۷-۲۱۸.

#### منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «جنگ در ایران پس از اسلام»، شماره ۵۰۹۲.](#)

رده‌های این صفحه: [مقالات دانشنامه جهان اسلام](#)